

تبیین مؤلفه‌های حقوقی و اجتماعی اثرگذار بر تمایل به توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی

ابراهیم میرزایی^۱

نورالدین اله دادی^۲

علی حمیدی^۳

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱/۳۱ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۸/۱۳)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

امروزه مسأله توسعه و پیشرفت از مسائل اساسی مهم در کشورهای در حال توسعه می‌باشد این موضوع در ایران هم در سطح ملی و هم در سطوح منطقه‌ای و استانی از مهمترین موضوعاتی است که حاکمیت ملی و مدیران استانی با آن مواجه هستند. هدف این تحقیق تبیین مؤلفه‌های حقوقی و اجتماعی اثرگذار بر توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی در استان لرستان است. روش تحقیق از نوع کمی و کیفی است. در بخش کمی تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت و در بخش کیفی تحقیق هم با استفاده از مصاحبه عمیق دیدگاه جامعه مورد مطالعه تحقیق شامل سرمایه‌گذاران

^۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران.

^۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

nalahdadi@pnu.ac.irm.

^۳- استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران.

لرستانی و یا صاحبان کسب و کار متوسط و بزرگ ساکن و غیر ساکن استان لرستان مورد بررسی قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان می دهد سرمایه گذاری ۴۲ درصد از پاسخ دهندگان، در حوزه صنعت، ۷/۱ درصد در حوزه سلامت و بهداشت، ۷ درصد در حوزه کشاورزی، ۷ درصد دام پروری، ۱/۸ درصد در حوزه شیلات ۲۲/۸ درصد در حوزه خدمات و ۱۲/۳ درصد در حوزه گردشگری بوده است. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد بین تعیین کنندگان فرهنگی و اجتماعی و تمایل به توسعه اقتصادی سرمایه گذاری اقتصادی، ۰/۴۰ رابطه همبستگی معنادار وجود دارد؛ بین تعیین کنندگان زیرساختی و تمایل به توسعه اقتصادی سرمایه گذاری اقتصادی ۰/۴۵، بین تعیین کنندگان قضایی و انتظامی و تمایل به توسعه اقتصادی سرمایه گذاری اقتصادی ۰/۳۶، بین تعیین کنندگان سیاسی و تمایل به توسعه اقتصادی سرمایه گذاری اقتصادی ۰/۴۲ و بین تعیین کنندگان بروکراتیک با تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی ۰/۴۶ رابطه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، ولی بین متغیر ملی و فراملی و تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی رابطه همبستگی معناداری وجود ندارد. همانطور که یافته های تحقیق نشان می دهد در جامعه مورد مطالعه رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل و متغیر اصلی تحقیق (تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی) وجود دارد. تایید شدن اکثر فرضیه ها در عین پایین بودن مقدار بیشتر متغیرها را می توان از منظر روش شناختی به معنای دیگری نیز تفسیر نمود؛ همان چیزی که هیرشمن از آن به عنوان علیت انباشتی یاد می کند. بدین معنا که در یک بستر توسعه یافته با زنجیره ای از علل و عوامل مثبت و تقویت کننده مواجه هستید که به همدیگر متصل بوده و با هم همبستگی کامل دارند و در مقابل در بستر توسعه نیافته با زنجیره ای از علل منفی و تضعیف کننده مواجه هستید که به شدت با هم همبستگی داشته و بر یکدیگر تاثیر می گذارند. با اتکا به نتایج پژوهش می توان گفت برای هموار شدن مسیر توسعه سرمایه گذاری اقتصادی در استان لرستان هم افزایی سه ضلعی ساختار توسعه گرای دولتی، اقتصاد و سرمایه خصوصی و جامعه توسعه گرای توانمند بسیار تعیین کننده خواهد بود.

واژگان کلیدی: فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، توسعه.

مقدمه و بیان مسأله

توسعه ی اقتصادی نیازمند سرمایه گذاری در بخش ها و فعالیت های مختلف اقتصادی است. بدون

سرمایه گذاری در طرح های زیربنایی و روبنایی نمی توان انتظار گسترش اشتغال، تولید و رفاه اقتصادی را داشت (ناهدی و همکاران، ۱۳۹۰). سرمایه گذاری بعد از مصرف، مهمترین جزء تقاضای کل می باشد که به دلیل نوسانات زیاد بیشتر مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. سرمایه گذاری با سیاست های کلان اقتصادی نوسان پیدا می کند و چون پایه تولید جامعه را پی ریزی کرده و توان تولیدی را بالا می برد، حائز اهمیت می باشد. سیاست گذاران اقتصادی با استفاده از سیاست های کلان اقتصادی، سرمایه گذاری و تشکیل سرمایه بخش خصوصی را هدایت کرده و با ایجاد انگیزش هایی، سرمایه گذاران را به انجام پروژه های سرمایه گذاری ترغیب می نمایند. تصمیمات سرمایه گذاری توسط بخش خصوصی، به دلیل بالا بودن کارایی و انگیزه های سود جویی، تخصیص بهینه منابع و عوامل تولیدی را در پی خواهد داشت (خان و رینهارت، ۱۹۹۰). سرمایه گذاری همواره به عنوان یکی از عوامل اساسی در توسعه اقتصادی جوامع مطرح بوده و دولت ها را بر آن داشته تا به منظور دستیابی به یک اقتصاد توسعه یافته و پویا، توجه ویژه ای به آن معطوف دارند. سرمایه گذاری به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی، لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی است. افزایش سرمایه گذاری منجر به افزایش تولید، افزایش درآمد، افزایش رفاه، افزایش اشتغال، کاهش نرخ بیکاری و کاهش فقر می شود.

رشد اقتصادی مستلزم سرمایه گذاری است. اگر در جامعه ای سرمایه گذاری در حد و اندازه لازم صورت نگیرد، رشد اقتصادی کند یا متوقف خواهد شد. نتیجه این امر کاهش سطح رفاه عمومی جامعه است. سیاست گذران و برنامه ریزان هر جامعه باید به طور مستمر وضعیت امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری در آن جامعه را اندازه گیری و کنترل کنند و بر اساس نتایج حاصل از این اندازه گیری ها، تمهیدات لازم را برای جذب سرمایه های خارجی و جلوگیری از فرار سرمایه های داخلی به عمل آورند (حسین زاده بحرینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰).

همچنین سرمایه گذاری یکی از مهم ترین متغیرهای کلان در اقتصاد محسوب می شود و تحت تاثیر عوامل متعدد مانند متغیرهای پولی و مالی، سیاسی و ساختاری قرار دارد. تقریباً اکثر اقتصاددانان، بی توجه به مکتب و دیدگاه فکری خود، بر تمرکز و تشکیل سرمایه به مثابه مهم ترین عامل تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی تاکید زیادی داشته اند (دودانگی، ۱۳۹۴). به اعتقاد نورکس معنی و مفهوم تمرکز سرمایه این است که یک جامعه تمام ظرفیت های مولد جاری خود را صرف تامین نیازهای

مصرفی خود نمی کند، بلکه بخشی از منابع مالی خود را صرف تولید کالاهای سرمایه ای مانند ماشین آلات، تجهیزات، ابزارهای تولید و تسهیلات حمل و نقل می کند. ماهیت یا جوهر جریان تمرکز سرمایه عبارت است از تخصیص بخشی از منابع جاری سرمایه جامعه به صورت کالاهای سرمایه ای، تا بتوان در آینده امکان بسط و توسعه بخش های تولید کالاهای مصرفی را ایجاد کرد) قرع باغیان: (۱۳۷۱: ۵۲۱). استان لرستان با مساحتی حدود ۲۸ هزار و ۶۴ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر با موقعیتی مناسب، دارای ویژگی های منحصر به فردی است؛ بهره مندی از موقعیت مکانی و جغرافیایی ممتاز به عنوان مسیر شمال - جنوب کشور، وجود ظرفیتهای مناسب فرهنگی، اجتماعی، همسایگی با عمده ترین کانون های جمعیتی و قطب های صنعتی کشور، وجود بازارهای مصرف برای فرآورده های کشاورزی، وجود ظرفیتهای و قابلیتها در بخشهای مختلف مانند صنعت، معدن، دامپروری، کشاورزی، نیروی انسانی کارآمد و متخصص و جاذبه های گردشگری از مزیت هایی است که موقعیت بسیار مناسبی برای جذب سرمایه و قابلیت سرمایه گذاری در این استان را فراهم آورده است؛ با این وجود وضعیت سرمایه گذاری دولتی و خصوصی در لرستان مطلوب نیست. بر اساس آمارهای رسمی منتشر شده، استان لرستان با وجود ۲/۳۷ درصد از کل جمعیت کشور، تنها ۱/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین براساس یافته های نتایج پایش ملی محیط کسب و کار ایران در تابستان ۱۳۹۶ خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان و لرستان به ترتیب دارای بدترین وضعیت محیط کسب و کار و استان های گیلان، فارس و مرکزی به ترتیب دارای بهترین وضعیت محیط کسب و کار نسبت به سایر استان ها در کشور ارزیابی شده اند) نتایج پایش ملی کسب و کار در ایران، تابستان ۱۳۹۶، به نقل از سایت توکانیوز). رنج کمبود سرمایه به عنوان عامل تولیدی مهم، مانعی جدی بر سر راه استان های توسعه نیافته محسوب می شود. منظور از موانع جذب سرمایه گذار، هر عاملی است که روند تشکیل و توسعه سرمایه گذاری در مناطق مختلف را تحت تاثیر منفی خود قرار دهد. اقدام سرمایه گذاران به سرمایه گذاری، در گرو پیدایش و وجود بستری است و تا زمانی که این بسترها فراهم نشوند، سرمایه گذاری شکل نمی گیرد) میرباقری و همکاران، (۱۳۹۵). استان لرستان به عنوان استانی که سرشار از فرصت های سرمایه گذاری است آن چنان که شایسته است مورد توجه سرمایه گذاران قرار نگرفته است و از آنجا که سرمایه های بومی توانایی به فعلیت رساندن قابلیت های بالقوه استان در همهی زمینه ها را ندارند، بررسی و شناخت جذایتهای و موانع فرا روی سرمایه گذاران اهمیت می یابد. بنابراین عوامل جذب و دفع باید

از دیدگاه سرمایه‌گذاران داخلی و بخصوص خارجی بررسی شود که دلایل کم بودن حجم سرمایه‌گذاری در استان لرستان شناخته شود. استان لرستان سرشار از منابع و ظرفیت‌های بالقوه رشد و توسعه است، اما دلایل عدم رشد و توسعه نیافتگی آن، چنان که شایسته است مورد توجه صاحب‌نظران توسعه قرار نگرفته است؛ لذا این پژوهش به دنبال تحلیل و تبیین عوامل ساختاری اثرگذار بر تمایل توسعه اقتصادی استان لرستان است و درصدد پاسخگویی به این سوال اساسی است که بین عوامل مهم و تعیین‌کننده ساختاری که عبارتند از پارامترهای فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، محیطی و تمایل به توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی چه ارتباطی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

اولافمی^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در یک تحقیق به بررسی تأثیر امنیت بر سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از داده‌های سری‌زمانی انجام شده است. در این مطالعه از مخارج سالانه دولت جهت دفاع و امنیت به عنوان شاخص امنیت استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که امنیت تأثیر معنی‌داری بر جذب سرمایه‌گذاری در نیجریه داشته است.

لورینته^۲ (۲۰۱۵) در یک تحقیق نقش عوامل بروکراتیک بر جذب سرمایه‌گذاری در کشور رومانی را بررسی نموده است. در این تحقیق بروکراسی پیچیده یکی از موانع عمده سرمایه‌گذاری در کشور رومانی عنوان شده است. فقدان شفافیت در نهادهای دولتی، مدت زمان انتظار برای حل یک مشکل خاص، فساد و رفتار نامناسب کارکنان دولت از جمله شاخص‌های بروکراسی پیچیده در این تحقیق معرفی شده‌اند. علاوه بر این، عوامل دیگری مانند عدم زیرساخت‌های کافی، بی‌ثباتی سیاسی، مالیات بالا و عدم ثبات قوانین و مقررات به عنوان سایر موانع سرمایه‌گذاری در رومانی شناخته شده‌اند.

فیتربندی و همکاران (۲۰۱۴) در یک تحقیق، تأثیر زیرساخت‌ها را بر جذب سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف اندونزی بررسی نموده‌اند. این تحقیق به روش پانل دیتا برای ۳۰ استان کشور اندونزی

۱. Olufemi

۲. Laurentiu

انجام شده است. در این تحقیق، ظرفیت توزیع آب، ظرفیت توزیع برق، امکانات مخابراتی، راه‌ها و جاده‌ها به عنوان متغیرهای تشکیل دهنده زیرساخت‌ها در نظر گرفته شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که استان‌هایی که دارای زیرساخت‌های قوی‌تری هستند سرمایه‌گذار بیشتری جذب نموده‌اند.

ورنیک و همکاران (۲۰۱۴) در یک تحقیق تاثیر حاکمیت را بر جذب سرمایه‌گذاری در ۶۴ کشور آفریقای بررسی نموده‌اند. در این تحقیق از شش شاخص آزادی بیان، پاسخگویی دولت، فساد، کیفیت دستگاه‌های نظارتی، شفافیت قوانین و ثبات سیاسی به عنوان عوامل غیراقتصادی موثر بر سرمایه‌گذاری در کنار عوامل اقتصادی در نظر گرفته شده است.

آسیدو و لین (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به بررسی اثر دموکراسی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته‌اند. در این تحقیق علاوه بر عوامل اقتصادی موثر بر سرمایه‌گذاری، شاخص آزادی‌های سیاسی و مدنی، حقوق سیاسی و فعالیت‌های احزاب به عنوان شاخص‌های دموکراسی موثر بر جذب سرمایه‌گذاری لحاظ شده‌اند. در کنار این عوامل متغیرهای دیگری از جمله فساد، بروکراسی پیچیده، بی‌ثباتی قوانین و مقررات نیز به عنوان عوامل مهم و تاثیرگذار بر سرمایه‌گذاری در مدل آورده شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در ۹۳ کشور بسط دموکراسی می‌تواند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تقویت کند. همچنین نتایج این تحقیق حاکی از آنست که اثر دموکراسی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به اندازه و نوع منابع طبیعی بستگی دارد.

شهسواری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به "شناسایی و اولویت بندی موثر بر جذب سرمایه گذاری خارجی در بخش صنعت استان قزوین" پرداخته‌اند. هدف از این پژوهش شناسایی و اولویت بندی موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در استان قزوین بود، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که به اولویت موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در استان قزوین در ابتدا عوامل سیاسی، بعد از آن عوامل اقتصادی، عوامل زیر ساختی و عوامل انسانی و طبیعی به ترتیب در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند.

شهسواری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به "شناسایی و اولویت بندی موثر بر جذب سرمایه گذاری خارجی در بخش صنعت استان قزوین" پرداخته‌اند. هدف از این پژوهش شناسایی و اولویت بندی موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در استان قزوین بود، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که به اولویت موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در استان قزوین در ابتدا عوامل سیاسی، بعد از آن عوامل اقتصادی، عوامل زیر ساختی و عوامل انسانی و طبیعی به ترتیب در رتبه‌های بعدی اهمیت

قرار می گیرند.

شقایق شهری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله ای به "اثرات بازدارنده فساد مالی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در حوزه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی" پرداخته اند. این مقاله با استفاده از داده های پانل دیتا برای دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۱ و ۳۸ کشور منتخب عضو کنفرانس اسلامی انجام گرفته است. نتایج نشان می دهد که ارتباط قوی و معنی دار بین جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی با فساد مالی کشورهای منتخب اسلامی وجود دارد، به طوریکه کاهش یک درصدی فساد مالی در کشورهای مزبور به افزایش ۰/۳۳ درصدی سرمایه های مستقیم خارجی می انجامد.

خلیلی و سلیمی (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان "رابطه بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی، توسعه مالی و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای منتخب آسیایی" انجام گرفته است، مطالعه حاضر به بررسی رابطه سرمایه گذاری مستقیم خارجی، توسعه مالی و رشد اقتصادی با استفاده از داده های پانل ۱۶ کشور آسیایی طی دوره (۲۰۰۸ - ۱۹۸۰) می پردازد. آثار توسعه مالی بر اساس داده های سالانه بررسی شده است. برای این کار از شاخص های مختلف توسعه مالی و از متغیرهای کنترلی نرخ تورم، متوسط سال های تحصیل، باز بودن تجاری و تولید ناخالص داخلی سرانه اول دوره استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده اثر ترکیبی سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی برای کشورهای با درآمد بالا که از سطح توسعه مالی بالاتری برخوردارند بیشتر از کشورهای با درآمد پایین و متوسط می باشد می توان نتیجه گیری نمود توسعه مالی باعث افزایش تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی می شود.

تحلیل پیشینه تحقیق

مروری بر تحقیقات انجام شده نشان می دهد که اولاً این تحقیقات بیشتر معطوف به انجام تحقیقاتی درباره توسعه اقتصادی برون گرا و مبتنی بر سرمایه گذاری خارجی هستند و کمتر به مطالعه موانع و محدودیت های توسعه اقتصادی درون گرا انجام شده است. دوم این تحقیقات کمتر به مطالعه مناطق توسعه نیافته پرداخته اند و کمتر تحقیق جامعی در مورد مناطقی چون لرستان انجام گرفته است. سوم. این تحقیقات بیشتر از منظر کارشناسان و مسولین اداری انجام گرفته و کمتر به تمایل به توسعه اقتصادی به عنوان کانون اصلی پژوهش پرداخته شده است.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

سرمایه گذاری یکی از مهم ترین متغیرهای کلان در توسعه اقتصادی محسوب می شود و تحت تاثیر عوامل متعدد مانند متغیرهای پولی و مالی، سیاسی و ساختاری قرار دارد. تقریباً اکثر اقتصاددانان، بی توجه به مکتب و دیدگاه فکری خود، بر تمرکز و تشکیل سرمایه به مثابه مهم ترین عامل تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی تاکید زیادی داشته اند (دودانگی، ۱۳۹۴). ادبیات گسترده پیرامون رابطه فرهنگ و توسعه، حاکی از آن است که عوامل فرهنگی از چهار طریق رفتار اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد: از طریق تأثیر آن بر سازمان ها و تولید، عقاید مرسوم پیرامون مصرف و کار، توانایی خلق و مدیریت نهادها و ایجاد شبکه های اجتماعی؛ برای درک رابطه اقتصاد و فرهنگ باید به خاستگاه این دو نظر افکند؛ خاستگاه اقتصاد و فرهنگ را به تعبیری می توان جامعه به مثابه نوعی سیستم اجتماعی قلمداد کرد. سیستم اجتماعی، معلول روابط اجتماعی است؛ روابط اجتماعی برخلاف روابط طبیعی، اموری قطعی و تکوینی نیستند. در سیستم های انسانی بر روابط انسانی به علت وجود اختیار و آگاهی او قطعیت حاکم نیست و انسان در شرایط معین می تواند به یک عامل مشخص، پاسخ های متفاوتی بدهد و این پاسخ های متعدد، چیزی جز وجود کثرت و گزینه های متفاوت نیست. با تعدد و وجود گزینه های متفاوت است که پدیده ای به نام انتخاب معنا پیدا می کند و از میان روابط ممکن بین پدیده ها، ناگزیر باید یکی را برگزید. انتخاب های گوناگون بر مبنای ارزش های ذهنی مختلف افراد صورت می گیرند که در واقع فرهنگ شکل دهنده ارزش های گوناگون برای افراد و جوامع مختلف است. بنابراین ملاحظه می شود که بین اقتصاد و فرهنگ رابطه تنگاتنگی وجود دارد. اگر بخواهیم رابطه فرهنگ و اقتصاد را به شکل دیگری بیان کنیم، شاید بتوان گفت: اولاً، رفتارهای پایدار انسانی حاصل و متأثر از فرهنگ است؛ ثانیاً فعالیت های اقتصادی از جمله رفتارهای اقتصادی انسان است و در نتیجه جزیی از مجموعه رفتارهای انسانی به شمار می آید و ثالثاً رفتارهای اقتصادی غیر از رفتارهای ناپایدار و استدلالی مبتنی بر فرهنگ است و رفتارهای پایدار خاص، نتیجه فرهنگ خاصی است. (صالح نیا و همکاران، ۱۳۸۹). نهادها نرم افزار توسعه اقتصادی را فراهم می کنند و برای رشد پایدار اقتصادی اهمیت زیادی دارند. با توجه به بحث هایی که در مورد توسعه نهادی و نقش نهادهای مختلف در سرمایه گذاری وجود دارد بیش از تعریف نهادها بر کارکردهای آنها تاکید می شود. (حکیمیان و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۱). بر اساس بررسی های بعمل آمده جهانی، از نگاه سرمایه گذاران نهادها حایز

اهمیت دانسته شده اند. شفافیت مقررات، اجرای مناسب آنها و سازگاری چارچوب نهادی با اقتصاد بازار همگی در تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری ملاحظات مهمی محسوب می شوند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه دستگاه اداری در تدوین مجموعه مقررات مناسب سرمایه گذاری و ایجاد رویه متمرکز و کاهش کاغذبازی و رویه های اعطای مجوزهای اداری مشکلاتی وجود دارد. این موانع اداری هزینه فعالیت ها را افزایش داده و باعث کاهش تمایل به سرمایه گذاری شده اند. همچنین بسیاری از سرمایه گذاران بر این باوردارند که در میان مقامات دولتی باور به اصل تامین خدمات و تسهیلات برای مقاصد تجاری هنوز جانشین سیستم کنترل های اداری گذشته نشده است. مورد دیگری مربوط به چارچوب مبهم تعریف شده قدرت و مسئولیت سازمان و دستگاههای اداری است به طوریکه این ابهام موجب لحاظ کردن نااطمینانی با وزن بالا توسط سرمایه گذاران شده و آنها مجبور می شوند بر سر موضوعات وسیعی با دولت مذاکره کنند گرچه به تضمین دولت هم اطمینان ندارند. همچنین سرمایه گذاران باید به مناسب بودن نظام قانونی و قابل اطمینان بودن سیستم قضایی اعتماد داشته باشند. ضعف اعتماد نهادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا باعث مشکلات محسوسی در خصوص شناسایی حقوق مالکیت و اجرای قراردادها، افزایش حس عدم امنیت و بی حساب و کتاب بودن کارها کمک می کند. همچنین دو عامل دیگر مانند باور سرمایه گذاران به عدم وجود کارگران ماهر با دستمزدهای قابل رقابت در سطح بین المللی و نارضایتی سرمایه گذاران به نبود زیر ساخت های مناسب بر نگرانی آنها در فراهم کردن کالاها و خدمات عمومی می افزاید. همچنین زمانی که سرمایه گذاران در مورد ثبات سیاسی و اقتصادی کشوری تردید داشته باشند از سرمایه گذاری در آن کشور خودداری خواهند کرد. (حکیمیان و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۱). عملکرد اقتصادی کشورها در طول زمان، تا حد زیادی به محیط سیاسی، نهادی و قانونی آنها وابسته است. این نهادها و سیاست ها، مشخص کننده کیفیت حکمرانی در بین کشورها هستند. نتایج تخمین ها نشان می دهد که شاخص حکمرانی خوب، تولید ناخالص داخلی سرانه و زیر ساخت ها اثر مثبت و معنی دار و نرخ تورم اثر منفی و معنی داری بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی داشته اند. شاخص حکمرانی خوب و اجزای آن یعنی حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثر بخشی، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد نیز در سرمایه گذاری موثر هستند. (مهرآرا و همکاران، ۱۳۸۸) رشد و پیشرفت هر جامعه ای به وجود زیرساخت

های فیزیکی برای تولید و توزیع کالاها و خدمات، بین عامه مردم و بنگاه ها بستگی دارد، به طوری که قدرت اقتصاد ملی به توانایی و موجودی زیرساخت آن بستگی دارد و کیفیت و کارایی این زیرساخت ها بر تداوم فعالیت های تجاری و اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی مؤثر است. (هادسن و همکاران، ۱۹۸۳: ۳). توسعه اقتصادی نه تنها به وجود نهادهای رسمی مانند حقوق مالکیت و قانون گذاری توجه دارد، بلکه بر اساس آن خریداران و فروشندگان می توانند به مبادله کالاها در بازار بپردازند و در این میان به هنجارهای معین و ارزش های اجتماعی نیز که به ارتقاء و بهبود مبادله، پس انداز و سرمایه گذاری منجر می شوند نیز امعان نظر داشته باشد. بنابراین رفتار اقتصادی، بعد فرهنگی نیز دارد (اسملسر و سوید برگ ۱۹۹۴، به نقل از صالح نیا و همکاران، ۱۳۸۸). پس «فرهنگ» پایه رفتارهای انسانی به شمار می رود و لذا بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی نیز بر این بنیان استوار است. لذا توسعه اقتصادی که مستلزم انجام رفتارهای خاص و به ویژه در زمینه های مختلف زندگی انسانی است، به فرهنگ و باورهای فرهنگی وابستگی بسیار زیادی دارد. توسعه اقتصادی نیازمند باورهای فرهنگی مناسب و سازگار با توسعه است. (عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

جدایی ناپذیری کنش اقتصادی از ریشه های اجتماعی اش به این معناست که کنش اقتصادی، اسیر تور شبکه ها، نهادها و مناسبات غیراقتصادی است و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی، همه فعالیت های اقتصادی را احاطه کرده اند» اثر حکم شدگی اقتصاد «»؛ موضوعی که از منظر گرانووتر هم قابل تایید و بسط دادن است. به زعم او که درهم تنیدگی، نقطه مقابل متمیزه شدن است، عمل اقتصادی اساساً عملی اجتماعی و رفتار اقتصادی تنیده شده در شبکه هایی از روابط میان افراد است؛ تا بدان جا که ساختار اجتماعی اقتصاد با شبکه ها پیوند می یابد و شبکه اولیه وقتی در درون نهادها متصلب شد، نقشی به مراتب کمتر از خود نهادها بازی می کند. مارک گرانووتر در مقاله «کنش اقتصادی و ساختار اجتماعی: مساله حکم شدگی» به یکی از مهم ترین پرسش های کلاسیک نظریه اجتماعی می پردازد: اینکه چگونه رفتار و نهادها تحت تاثیر روابط اجتماعی قرار دارند؟ گرانووتر در این مقاله سعی می کند توضیح دهد که در جامعه صنعتی مدرن، کنش اقتصادی تا چه حدی به وسیله ساختارهای روابط اجتماعی، حکم شده است؛ چیزی که به آن مساله حکم شدگی یا گفته می شود. او می گوید از آنجا که روابط اجتماعی چیزی است که همواره وجود دارد، وضعیتی که در صورت غیاب روابط اجتماعی به وجود خواهد آمد، وضعیتی است که فقط می توان آن را تصور کرد و

هرگز در دنیای واقعی وجود نخواهد داشت؛ درست مثل اینکه وقتی می‌خواهیم «وضعیت طبیعت» توماس هابز را درک کنیم یا وقتی می‌خواهیم «موقعیت اصلی» جان رالز را بفهمیم، این وضعیت‌ها را تصور می‌کنیم بدون اینکه این وضعیت‌ها وجود خارجی داشته باشند. سنت کلاسیک و نئوکلاسیک در علم اقتصاد فرض می‌کند که رفتار عقلانی و منفعت‌طلبانه انسان، تا اندازه بسیار کمی تحت تاثیر روابط اجتماعی قرار دارد و بنابراین اگر بخواهیم طبق سنت کلاسیک و نئوکلاسیک (سنت مطلوبیت‌گرایی) در اقتصاد به مساله نگاه کنیم، وضعیت ایده‌آلی را خواهیم دید که فاصله چندانی با آنچه می‌خواهیم مورد آزمایش قرار دهیم ندارد؛ اینکه بخواهیم کنش اقتصادی را در غیاب روابط اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم. در مقابل این وضعیت، یعنی همان چیزی که سنت کلاسیک و نئوکلاسیک در اقتصاد به آن معتقد است، گرانوتر از وضعیتی حرف می‌زند که آن را «حک‌شدگی» می‌نامد. او برای توضیح حک‌شدگی استدلال می‌کند که رفتار و نهادها به شدت تحت تاثیر روابط اجتماعی قرار دارند و توضیح می‌دهد که اگر رفتار و نهادها را مستقل از روابط اجتماعی در نظر بگیریم، دچار بدفهمی بزرگی شده‌ایم. تمرکز اصلی گرانوتر در مقاله‌اش، حک‌شدگی رفتار اقتصادی است. گرانوتر توضیح می‌دهد که برای سال‌های طولانی، جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و تاریخدانان اعتقاد داشته‌اند که رفتار اقتصادی مردم در جوامع سنتی تا اندازه زیادی به وسیله روابط اجتماعی حک شده بود، اما در جوامع مدرن، جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و تاریخدانان همچون اقتصاددانان به این نگرش روی آوردند که کنش اقتصادی، به اندازه قبل، تحت تاثیر روابط اجتماعی قرار ندارد. گرانوتر می‌گوید بر اساس این نگاه جدید، در جوامع مدرن، اقتصاد به عنوان یک چیز جدا از روابط اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. به این صورت که طبق این نگاه، مبادلات اقتصادی نه از طریق هنجارهای اجتماعی در مورد آن مبادلات، بلکه توسط محاسبات عقلانی و نفع فردی در مورد آن مبادلات تعریف می‌شود. تا جایی که اینگونه استدلال می‌شود که وضعیت سنتی معکوس شده است: به جای اینکه زندگی اقتصادی تحت تاثیر روابط اجتماعی باشد، روابط اجتماعی علائم ثانویه بازار هستند (سوئد برگ و گرانوتر، ۱۳۹۵: ۲۴).

اینکه گفته می‌شود به عنوان مثال شرکت‌ها در درون جامعه یا سیاست‌ها حک شده‌اند، به این معنی است که افراد موجود در شرکت‌ها و طرز عمل آنها به وسیله شبکه‌ها، قوانین و فرهنگ به هم گره

خورده و به محیط اجتماعی پیرامون خودشان وابسته است و مستقل از آنها نیست. حکم شدگی بر محاط شدن فعالیت های اقتصادی به وسیله ساختارهای غیراقتصادی دلالت دارد. اصطلاح حکم شدگی بیانگر این ایده است که اقتصاد برخلاف آنچه نظریه های اقتصادی حکم می کند، نه مستقل، بلکه تابع سیاست، مذهب و مناسبات اجتماعی است. حالا به انواع حکم شدگی می پردازیم. رایج ترین وجه حکم شدگی قرارگیری افراد درون ساختارهای اجتماعی است که آنها را محدود و محصور می کند. ساختار در واقع روابط الگومندی است که می توانند شکل های مختلفی به خود بگیرند. ساختارهای خرد، شبکه ها هستند. مردمی که ما می شناسیم و اینکه چگونه آنها را می شناسیم بر اطلاعاتی که ما داریم و کنش هایی که انجام می دهیم تاثیر می گذارند. برای مثال گرانووتر توضیح می دهد که پیوندهای ضعیف با مردمی که ما اغلب رابطه کمتری با آنها داریم، بسیار مفیدتر از پیوندهای قوی با مردمی است که ما مدام با آنها ارتباط داریم. به این خاطر که مردمی که ارتباط کمتری با آنها داشته و در نتیجه پیوندهای ضعیف تری با آنها داریم، اطلاعاتی به ما می دهند که مفید هستند و به شبکه های اجتماعی دیگر مرتبط هستند. شبکه های اجتماعی می توانند در مواقعی که مردم با هم تعامل دارند اعتمادسازی کنند. شبکه های اجتماعی همچنین ویژگی های مختلفی دارند که با درجاتی از اعتماد در جامعه مرتبط است. شبکه ها و سرمایه های اجتماعی معمولاً به دو صورت عمودی و افقی وجود داشته و رابطه افراد در آن یا بر اساس سلسله مراتب اقتدار طایفه و قبیله، یا برابر و مشارکتی است. ساختارها همچنین مزیت ها و فرصت هایی را ایجاد می کنند که در وضعیت غیرشبکه ممکن نبوده یا به ندرت اتفاق می افتد. شکل دیگر حکم شدگی ساختاری که از سنت فکری مارکسیستی گرفته شده، ساختار طبقه است که در آن هر طبقه، شبکه ها را ایجاد می کند که به تقویت ساختار اجتماعی - طبقاتی کار کمک می کند.

حکم شدگی شناختی بر این نکته تاکید دارد که چگونه شیوه هایی که ما طبق آنها فکر می کنیم، بر کنش اقتصادی تاثیر می گذارد. در واقع ما هیچ وقت نمی توانیم از اینکه چگونه فکر می کنیم رهایی پیدا کنیم. اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک معتقد هستند که ما شناخت و اطلاعات کاملی درباره خواسته های خود داریم که ذائقه و ترجیحات در آن ثابت بوده و تاثیرگذار نیست. در واقع ما به صورت عینی و عقلانی محاسبه می کنیم که نیازی به معیارهای انگیزشی نیست. اما روانشناسی تجربی این فرضیات را به چالش کشانده و معتقد است ما از عقلانیت محدودنگر در رنج هستیم. ما اطلاعات کاملی از خواسته های خود نداریم، بلکه اطلاعات ما همیشه ناقص است، برای اینکه بعضی وقت ها

نمی‌توانیم تمام اطلاعات را درباره مشتریان و کالاهای مورد نیاز به دست آوریم. در نتیجه ما اطلاعات مختصری داریم. از سوی دیگر از آنجا که شیوه فکر کردن ما عینی نیست، از این‌رو اطلاعاتی که در افکار خود داریم نیز عینی و ملموس نیستند. ما دنیا را کامل نمی‌بینیم زیرا اطلاعات جهان اجتماعی محیط اطراف خود را از طریق مقوله‌بندی کردن فیلتر می‌کنیم تا به ما کمک کند همه داده‌ها و اطلاعات خام روزمره خود را مشاهده و ادراک کنیم. برای مثال ما افراد بسیار زیادی را در روز ملاقات می‌کنیم و اطلاعاتی که ما باید در مورد آنها داشته باشیم بسیار گسترده است. بنابراین تمایل داریم به شیوه گزینشی، مردم را بر حسب نژاد، جنسیت، ملیت و... مقوله‌بندی کنیم تا بتوانیم رفتارهای آنها را پیش‌بینی کنیم. بنابراین باید از کنش‌های متقابل اطراف خود غیرمطمئن و تا حدی بیمناک باشیم. این به این معنی است که برخلاف آنچه اقتصاددانان می‌گویند، ما نمی‌توانیم جهان را به صورت عینی بررسی کنیم، بلکه دنیا و مسائل گسترده اطراف آن را از طریق مقوله‌بندی کردن آنها فیلتر می‌کنیم.

ما به وسیله مقولاتی که جهان اطراف ما را تفسیر می‌کنند، به وسیله تصورات مربوط به چگونگی عملکردهای هنجاری جهان اجتماعی و بینش حاکم بر کنش اجتماعی، محدود شده‌ایم که به آن محاط‌شدگی فرهنگی می‌گویند. مناسک، اعتقادات، تصورات و مقولات موجود در بستر حیات اجتماعی، کنش‌ها و تصمیمات ما را شکل می‌دهند. مساله حکم‌شدگی فرهنگی یک شعور جمعی غالب قلمداد می‌شود اما تئورسین‌های اقتصادی، فرهنگ را نادیده می‌گیرند. اقتصاددانان به این باور علاقه‌مند هستند که تنها تفکر ارزشمند حاکم بر دنیا، عقلانیت اقتصادی است ولی از نظر جامعه‌شناختی، فرهنگ یک محرک و نیروی قدرتمند تاثیرگذار بر رفتار و سازمان اقتصادی است. مقولات فرهنگی و تصورات حیات اجتماعی شکل‌دهنده تاکتیک‌هایی هستند که جامعه‌شناسان در تحلیل خود از آن استفاده می‌کنند. اقتصاد تنها به مبادلات آنی بین فروشندگان و خریداران نمی‌پردازد بلکه آنها همچنین دارای مقررات و قوانینی هستند که ساختار مبادله و تولید کالاها و خدمات، شرایط کار و اشتغال را مورد توجه قرار می‌دهند. این قوانین ساختار اقتصادی شامل دو بخش است. ابتدا نهادها که قواعد کنش بوده و دارای الزامی بر کنش‌ها هستند، هزینه‌های کنش را تعیین کرده و اگر کنش افراد بر خلاف قوانین و هنجارهای الزام‌آور باشد، شخص ترجیح می‌دهد برای جلوگیری از تنبیه شدن، این قوانین را رعایت کند. در واقع رویکردهای اقتصادی نگاه ابزاری

نسبت به نهادها داشته و به وجه الزام آور آن توجه دارند. اما جامعه‌شناسان نهادها را بسیار پیچیده می‌بینند که نقش یک میانجی بین کنش، روابط اجتماعی، سرمایه‌های اجتماعی و حک شدن کنش در یک بستر اجتماعی و فرهنگی را ایفا می‌کنند. اقتصاد مصون از سیاست نیست. بخشی از سرمایه‌داری بازار به دلیل اینکه رهبران سیاسی خواهان قدرت سیاسی بودند، شکل گرفته است. دولت‌ها و پادشاهان به جنگ با یکدیگر پرداخته اما برای این کار نیازمند جنگ‌افزار بودند. تولید جنگ‌افزار، منافع گروه‌های کارفرما را که در بخش تولید صنعتی و بخش اقتصادی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، فراهم کرده است. رهبران سیاسی برای کسب مشروعیت از منافع شرکت‌ها از طریق منافع مالیاتی و تغییرات قانونی حمایت می‌کنند. شرکت‌های مدرن به این دلیل شکل گرفتند که سیاست‌های نیوجرسی خواهان حمایت از صنعت و صنایع بودند. رهبران دولت‌ها خواهان قدرتی هستند که لازمه داشتن آن، وجود اقتصاد باثبات، در حال رشد و نیروی کار کارآمد است. سیاستمداران دارای طرح‌های خاص خود برای اقتصاد هستند. مدیران شرکت‌ها و مالکان با رهبران دولت‌ها در درگیری یا ملاقات هستند تا امتیازات خاص خود را از آنها بگیرند. درک این نکته ضروری است که حک‌شدگی به معنای کنش برنامه‌ریزی شده خاص و هدفمند نیست که قصد انجام آن وجود دارد، بلکه محدودیت‌ها و توانمندی‌های ساختاری، فرهنگی، شناختی، سیاسی و نهادی است که با قرارگیری و تعبیه شدن کنش‌ها از جمله کنش‌های اقتصادی در درون آنها یک مشخصه و ویژگی خاص به گروه‌های هدف و مورد بررسی می‌دهد، آنها را توانا یا محدود می‌کند (سوئد برگ و گرانووتر، ۱۳۹۵: ۴۶).

فرضیات پژوهش

- بین تعیین‌کنندگان فرهنگی و اجتماعی و تمایل به توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تعیین‌کنندگان زیرساختی و تمایل به توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تعیین‌کنندگان قضایی و امنیتی و تمایل به توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تعیین‌کنندگان بروکراتیک و تمایل به توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی رابطه معناداری

وجود دارد.

- بین تعیین کنندگان اقتصادی و تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تعیین کنندگان سیاسی و تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تعیین کنندگان ملی و فراملی و تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی

انتخاب روش پژوهش در راستای تولید و تحلیل داده‌ها به مسأله پژوهش و اهداف آن بستگی دارد. تحقیق از حیث روش است که اعتبار می‌یابد نه موضوع تحقیق (خاکی، ۱۳۸۴). تحقیق حاضر از لحاظ روش توصیفی - پیمایشی و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. در این تحقیق اول به بررسی سنجش متغیر وابسته که همان جذب سرمایه گذاری در لرستان پرداخته می‌شود و با طرح سولاتی چنین متغیری سنجیده می‌شود، سپس به مجموعه عواملی که از منظر سرمایه گذاران در گرایش به سرمایه گذاری در استان لرستان موثر است می‌پردازیم، این عوامل شامل عوامل محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ساختار اداری، قوانین و مقررات و زیرساخت‌ها می‌باشند. در هر قسمت با طرح سولاتی وضعیت هریک از عامل‌ها را از منظر سیاستگذاران بررسی می‌کنیم، بعد از طراحی پرسشنامه‌ای که متغیرهای فوق را پوشش دهد. این پرسشنامه را در اختیار سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل قرار می‌گیرد. بعد از کامل شدن پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم افزار Spss به تجزیه و تحلیل پرسشنامه می‌پردازیم که هدف از این تجزیه و تحلیل بررسی همبستگی عوامل یاد شده با گرایش به سرمایه گذاری می‌باشد. سپس با استفاده از نرم افزارهای مانند AHT به رتبه بندی این عوامل می‌پردازیم. در پایان فرضیات تحقیق مورد سنجش قرار می‌گیرد. روش تحقیق ترکیبی از نوع کمی و کیفی است. در بخش کمی تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت و پارامترهای مستقلى مانند شرایط اقتصادی، زیرساختی، قضایی - انتظامی، سیاسی، بروکراتیک، فرهنگی - اجتماعی و شرایط سطح ملی و جهانی است، طراحی شد تا بر اساس آن تمایل به توسعه اقتصادی

مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد. در بخش کیفی تحقیق هم با استفاده از مصاحبه عمیق دیدگاه جامعه مورد مطالعه تحقیق شامل سرمایه گذاران لرستانی و یا صاحبان کسب و کار متوسط و بزرگ ساکن و غیر ساکن استان لرستان مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری، حجم نمونه

جامعه آماری به مجموعه افرادی که دارای یک یا چند ویژگی مشترک داشته باشند جامعه آماری گویند، در حقیقت شامل همه عناصریست که موضوع یک پژوهش معین در آن مصداق پیدا می کند و ما می توانیم بر اساس آنان نتایج تحقیق را پردازش کنیم. جامعه آماری مورد مطالعه سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل در استان لرستان می باشد. نمونه آماری ۱۱۰ نفر از سرمایه گذاران داخلی و خارجی استان لرستان است.

اعتبار و روایی

در بررسی اعتبار پرسشنامه، اعتبار صوری و اعتبار محتوایی آن مورد بررسی قرار گرفت. پایایی: برای بررسی پایایی تحقیق یعنی همان تداوم دقت ابزار تحقیق در طول زمان از روش آلفا کرونباخ استفاده شده است. ضریب الفای هریک از متغیرها بالای ۸۰ درصد بوده و ضریب الفای کرونباخ کل پرسشنامه ۷۲ درصد می باشد.

یافته های کمی پژوهش

در این بخش توزیع افراد مورد بررسی برحسب ویژگی های جمعیت شناختی و متغیرهای پژوهش در قالب جدول ارائه شده است.

جدول ۱- توزیع و درصد فراوانی جنسیت پاسخ دهندگان

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
مرد	۹۷	۸۸/۲	۸۸/۲
زن	۱۳	۱۱/۸	۱۰۰
جمع کل	۱۱۰	۱۰۰	

نتایج جدول ۱- نشان می دهد که ۸۸/۲ درصد از پاسخ دهندگان به پرسشنامه مرد و ۱۱/۸ درصد زن هستند.

جدول ۲- توزیع و درصد فراوانی سن پاسخ دهندگان

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۷/۵	۶ درصد	۶
بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۳۶/۱	۳۳ درصد	۳۹
بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۳۹/۳	۳۶ درصد	۷۵
بین ۵۱ تا ۶۰ سال	۱۸/۵	۱۷ درصد	۹۲
۶۰ سال به بالا	۸/۶	۸ درصد	۱۰۰
جمع کل	۱۱۰	۱۰۰	

نتایج جدول ۲- نشان می‌دهد که سن ۶ درصد از پاسخ دهندگان به پرسشنامه بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۳ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۶ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۷ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال، و ۸ درصد بالای ۶۰ سال سن داشته‌اند. پس نتیجه گرفته می‌شود که سن درصد بیشتری از پاسخ دهندگان به پرسشنامه بین ۴۱ تا ۵۰ سال بوده است.

جدول ۳- توزیع و درصد فراوانی میزان تحصیلات پاسخ دهندگان

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کاردانی و پایین تر	۲۳/۷۶	۲۱/۶ درصد	۲۱/۶
لیسانس	۴۷/۷۴	۴۳/۴ درصد	۶۵
فوق لیسانس	۲۹/۷	۲۷ درصد	۹۲
دکتری	۸/۸	۸ درصد	۱۰۰
جمع کل	۱۱۰	۱۰۰	

با توجه به جدول ۳- مشاهده می‌شود که میزان تحصیلات پاسخ دهندگان ۲۱/۶ درصد دیپلم و پایین تر، ۴۳/۴ درصد لیسانس، ۲۷ درصد فوق لیسانس و ۸ درصد دکتری بوده است. لذا نتیجه گرفته می‌شود که میزان تحصیلات درصد بیشتری از پاسخ دهندگان به پرسشنامه لیسانس است.

جدول ۴- توزیع و درصد فراوانی نوع سرمایه گذاری

نوع سرمایه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
سرمایه (پول) شخصی	۴۴	۴۰ درصد	۴۰
اعتبارات بانکی	۳۲	۲۹ درصد	۶۹
سهام شرکتها و یا اوراق	۱۵	۱۴ درصد	۸۳
همکاری با بخش خصوصی	۱۸	۱۶ درصد	۹۹
همکاری با بخش دولتی	۱	۱ درصد	۱۰۰
جمع کل	۱۱۰	۱۰۰	

با توجه به جدول ۴- مشاهده می شود که ۴۰ درصد پاسخ دهندگان، نوع سرمایه گذاری شان مبتنی بر سرمایه (پول شخصی)، ۲۹ درصد مبتنی بر (اعتبارات بانکی)، ۱۴ درصد (سهام شرکت ها و اوراق)، ۱۶ درصد (همکاری با بخش خصوصی) و ۱ درصد (همکاری با بخش دولتی) بوده است. لذا نتیجه گرفته می شود که درصد بیشتری از پاسخ دهندگان نوع سرمایه گذاری شان مبتنی بر سرمایه (پول) شخصی بوده است.

جدول ۵- توزیع و درصد فراوانی حوزه سرمایه گذاری مورد نظر

حوزه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
صنعت	۴۶	۴۲ درصد	۴۲
سلامت و بهداشت	۸	۷/۱ بهداشت	۴۹/۱
کشاورزی	۸	۷ درصد	۵۶/۱
دامپروری	۸	۷ درصد	۶۳/۱
شیلات	۲	۱/۸ درصد	۶۴/۹
خدمات	۲۵	۲۲/۸ درصد	۸۷/۷
گردشگری	۱۳	۱۲/۳ درصد	۱۰۰
جمع کل	۱۱۰	۱۰۰	

با توجه به جدول ۵- مشاهده می شود که حوزه سرمایه گذاری ۴۲ درصد از پاسخ دهندگان،

(صنعت)، ۷/۱ درصد (سلامت و بهداشت)، ۷ درصد (کشاورزی)، ۷ درصد (دامپروری)، ۱/۸ درصد (شیلات)، ۲۲/۸ درصد (خدمات) و ۱۲/۳ درصد (گردشگری) بوده است. لذا نتیجه گرفته می شود که درصد بیشتری از پاسخ دهندگان در حوزه صنعت سرمایه گذاری کرده اند.

جدول ۶- سطح بندی پاسخ پاسخگویان نسبت به متغیرهای اصلی تحقیق

وضعیت	سطح بندی			ابعاد
	زیاد	متوسط	کم	
متوسط	۱۲/۳	۷۳/۷	۱۴	تمایل به توسعه
متوسط رو به پایین	۲۷	۳۸	۳۵	زیرساختی
متوسط	۲۵	۵۳/۶	۲۱/۴	اقتصادی
متوسط رو به پایین	۱۴/۶	۵۰/۹	۳۴/۵	قضایی- انتظامی
متوسط رو به پایین	۹	۶۵/۵	۲۵/۵	بروکراتیک
متوسط رو به پایین	۱۹/۷	۴۴/۶	۳۵/۷	فرهنگی- اجتماعی
پایین	۲۵/۴	۳۸/۲	۳۶/۴	سیاسی
متوسط رو به پایین	۲۸/۲	۳۶/۴	۳۶/۴	ملی و فراملی

آزمون فرضیه های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۷- رابطه همبستگی بین متغیرهای زیرساختی، اقتصادی، قضایی- انتظامی، بروکراتیک، فرهنگی- اجتماعی و سیاسی با متغیر جذب سرمایه گذاری معنادار می باشد ولی ارتباط متغیر ملی و فراملی با توسعه اقتصادی معنادار نمی باشد.

جدول ۷- آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و متغیرهای مستقل پژوهش

وضعیت فرضیه	نتایج آزمون پیرسون			رابطه همبستگی بین متغیر تمایل به سرمایه گذاری و دیگر متغیرها
	تعداد	سطح معنا داری	ضریب پیرسون	
تایید	۱۱۰	۰/۰۰۲	۰/۴۵۳	زیرساختی
تایید	۱۱۰	۰/۰۰۵	۰/۴۱۶	اقتصادی
تایید	۱۱۰	۰/۰۰۲	۰/۳۶۸	قضایی-انتظامی
تایید	۱۱۰	۰/۰۰۲	۰/۴۶۱	اداری-سازمانی
تایید	۱۱۰	۰/۰۰۱	۰/۴۰۹	فرهنگی-اجتماعی
تایید	۱۱۰	۰/۰۰۲	۰/۴۲۹	سیاسی
رد	۱۱۰	۰/۲۱۲	۰/۱۶۸	ملی جهانی

رگرسیون چند متغیره جهت تبیین و پیش بینی تمایل به توسعه اقتصادی نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره در جدول ۸- نشان می دهد قدرت تبیین کنندگی رگرسیون یا همان R^۲ مدل تحقیق ۵۲ درصد می باشد. به این معنا که این متغیرهای مستقل در حدود نیمی از وضعیت متغیر وابسته یعنی جذب سرمایه گذاری در استان لرستان را تبیین می کنند.

جدول ۸- ضریب رگرسیون متغیرهای تحقیق

سطح معناداری (sig): /۰۰۰		ضریب تعیین (R ²): /۰۵۲			
مدل	ضریب B	خطای استاندارد	Bata	T	سطح معناداری
ثابت	۲.۱۷۹	۶.۱۸۶	.۰۷۳	.۳۵۲	.۷۲۸
اقتصادی	.۰۴۲	.۱۴۷	.۳۱۱	.۲۸۶	.۰۳۰
زیرساختی	.۳۲۱	.۲۱۵	.۰۸۲	۱.۴۹۰	.۱۴۹
قضایی-انتظامی	.۰۴۰	.۱۰۹	.۲۹۲	.۳۶۳	.۷۲۰
بروکراتیک	.۲۰۹	.۱۵۵	.۱۷۷	۱.۳۵۲	.۰۱۹
فرهنگی-اجتماعی	.۰۷۹	.۱۱۰	.۳۴۵	۷۱۵.	.۰۴۵
سیاسی	.۱۸۱	.۰۹۹	.۲۰۸	۱.۸۳۵	.۰۲۸
ملی- فراملی	.۱۲۰	.۰۹۷	.۳۱۳	۱.۲۳۸	.۲۲۷

یافته های کیفی تحقیق

یافته های کیفی تحقیق در زمینه مشکلات و راهکارها در زمینه سرمایه گذاری و عوامل اثرگذار آن که منتج شده از دیدگاه سرمایه گذاران و به صورت مصاحبه عمیق صورت گرفته است در جداول ذیل ارائه شده است:

جدول ۹- مشکلات و راهکارهای فرهنگی و اجتماعی مرتبط با توسعه اقتصادی

راهکار	مشکل	حوزه
توسعه فرهنگی و فعالیت هایی در جهت سازگاری فرهنگ با توسعه	ضعف در فرهنگ عمومی و فرهنگ سازمانی و فرهنگ اقتصادی متناسب با سرمایه گذاری	فضای فرهنگی و اجتماعی
کمک به ایجاد صندوق های خرد و پیوند آنها با سرمایه گذارها	ضعف در فرهنگ پس انداز	
ارتقاء فرهنگ عمومی از طریق رسانه ها	بالا بودن فضای چشم و همچشمی و رقابت اجتماعی و حسادت	
بالا بردن حس تعلق محلی و کمک به افراد بومی موفق	مهاجرت به علت مشکلات فرهنگی	
شایسته سالاری و ارتقاء افراد توانمند و تشویق افراد شهروند مدار و قانون مدار	ضعف در فرهنگ شهروندی	
معرفی و تشویق سرمایه گذاران مولد و نوع دوست و کارآفرین و خلاق	نگاه منفی به سرمایه گذاران و عدم اعتماد عمومی به سرمایه گذاران	
بالا بردن تکثر پذیری و مدارا و بلندمدت نگری و توسعه فرهنگی	غلبه خلیات ضد توسعه ای (مساوات گرایی و عدم پذیرش تفاوت های اجتماعی و اقتصادی و رقابت و حسادت و پشت هم زدنی)	

جدول ۱۰- مشکلات و راهکارهای حقوقی و سازمانی مرتبط با توسعه اقتصادی

حوزه	مشکل	راهکار
حقوقی و قضایی	ضعف در اجرای سریع و به موقع احکام قضایی	
	طولانی بودن فرایند دادرسی	کاهش زمان دادرسی با استفاده از تکنولوژی های جدید و حذف مراحل زاید
	اعمال نفوذ افراد متنفذ در محاکم قضایی	
	نفوذ شبکه های خویشاوندی	حمایت از استقلال قاضی و ترویج قانون گرایی و مقابله با نفوذ افرادی که خواهان نفوذ و فشار هستند
	بالا بودن هزینه دادرسی اعم از انتخاب و کیل و یا هزینه مبادله ناشی از توقف فعالیت ها و انتظار حکم	کاهش بهینه زمان فرایند دادرسی و صدور حکم در فعالیت های اقتصادی و در اولویت گذاشتن چنین پرونده های قضایی
	ضعف مکانیسم نهادین حل اختلاف بین کارفرماها و بانک و دولت و کارگران	تشکیل کارگروه سه گانه بین دولت و نهاد قضایی و کارفرماها و تقویت نهادهایی چون شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی

جدول ۱۱- مشکلات و راهکارهای بروکراتیک مرتبط با توسعه اقتصادی

راهکار	مشکل	حوزه
- استفاده از ظرفیت افراد متخصص و کارشناس - ایجاد بانک اطلاعاتی در خصوص سرمایه گذاری فقدان استراتژی توسعه و اقدامات جزیره ای دستگاه های اجرایی ذی ربط در استان از چالش های اساسی موجود در استان است که نیازمند بهره گیری از خرد جمعی متخصصان با رویکردی غیر از وضع موجود است.	عدم بررسی مناسب پروژه ها از منظر اقتصادی و توسعه ای و محیط زیستی و اولویت بندی آنها	اداری و سازمانی
	فساد موجود در سیستم اداری	
	نگاه منفی کارکنان دولت به سرمایه گذاران	
	عدم هماهنگی بین ادارات مختلف و نبود سیستم هماهنگ کننده مقتدر	
	وابسته نگه داشتن سرمایه گذار به دولت (مجوز، اعتبار، خرید و وام)	
	تفسیر فردی دستورالعمل بخش نامه های اداری	
	کند بودن صدور مجوزها	

جدول ۱۲- مشکلات و راهکارهای فضای محیطی و زیرساختی مرتبط با توسعه اقتصادی

حوزه	مشکل	راهکار
فضای محیطی	مبلمان شهری نامناسب و عدم جذابیت شهر برای سکونت و زندگی	لزوم توجه مدیریت ارشد استان و شهرداری در خصوص ایجاد مبلمان شهری مناسب
	ضعف در امکانات زندگی در محلات مختلف شهر (محلات بالا و متوسط از لحاظ معماری و فضای شهری تفاوت معنی داری ندارند)	
زیرساختی	بهبود وضع شهرک های صنعتی و بالابردن امکانات موجود در آنها	پیگیری به منظور دریافت کمکهای ویژه از دولت در راستای توسعه زیرساختهای استان؛ به خصوص در مواردی که بخش خصوصی تمایلی به سرمایه گذاری در آنها ندارد و این موارد به عنوان زمینه سازهایی برای حضور بخش خصوصی و سرمایه گذاری در سایر زمینه ها در استان نیز محسوب می شوند.

جدول ۱۳- مشکلات و راهکارهای سیاسی مرتبط با توسعه اقتصادی

راهکارها	مشکلات	حوزه
تدوین قوانین روشن و جامع و ایجاد مرجع واحد برای تفسیر این بخشنامه ها	تغییر دولت ها باعث تغییر در رویه ها و سیاست ها	فضای سیاسی
دفاع از مدیران مستقل و دادن استقلال رای به مدیران	فشار نیروهای پرنفوذ برای جذب منابع برای وابستگان سیاسی و خویشاوندی	
تدوین رویه‌های شفاف و رسمی و قابل نظارت که مانع از نفوذ افراد پرنفوذ شود	رقابت افراد پرنفوذ سیاسی با افراد کم نفوذ سیاسی	
تدوین استراتژی و چشم اندازهای روشن برای طراحی برنامه توسعه سرمایه گذاری	نداشتن استراتژی اقتصادی و توسعه ای روشن در سطح محلی	
ایجاد نهادهای هماهنگ کننده و مقتدر	ضعف هماهنگی بین حوزه های مختلف در ساختار قدرت	
کاهش نابرابری‌های منطقه ای با کمک به رشد مناطق محروم	وجود تبعیض و نابرابری عمیق در بین مناطق مختلف کشور	
تقویت شایسته سالاری در انتخاب مدیران و انتخاب افراد متخصص و باتجربه و پیشگیری از اثرگذاری افراد ذی نفوذ	ضعف در شایسته سالاری و غلبه طایفه گرایی و خویشاوندسالاری	

تحلیل یافته های کمی و کیفی پژوهش

در این قسمت به تبیین یافته های کمی و کیفی پژوهش بر حسب متغیرهای تعیین کننده و تحلیل متغیرهای تاثیر گذار بر سرمایه گذاری بر اساس واقعیات موجود در محیط کسب و کار استان (برآمده از مصاحبه های انجام شده) پرداخته می شود.

شرایط سیاسی

متغیر شرایط سیاسی و سازمانی گرچه به لحاظ مفهومی و تا حدی عملی از هم قابل تفکیک هستند ولی همپوشانی و وابستگی عملی با هم دارند. گرچه سیستم اداری به صورت بلندمدت تغییر می کند و فرهنگ و ساختار سازمانی ثبات و دوام بیشتری دارد ولی شرایط سیاسی به صورت کوتاه مدت تر نگریده شده و سریعاً تغییر می کند. یافته های تحقیق نشان می دهد که فضای سیاسی استان از منظر عواملی مثل ثبات مدیریتی، نگاه امنیتی به صاحبان کسب و کار، نبود شایسته سالاری در انتصابات و عدم پابندی مسئولان به وعده های خویش در حمایت از سرمایه گذاران و اختلافات جناحی برای سرمایه گذاری وضعیت مطلوبی ندارد.

شرایط اداری و بروکراتیک

بروکراسی و دیوانسالاری معمولاً دو وجه منفی و مثبت دارد، وجه منفی آن، کاغذبازی و قواعد دست پاگیری است که معمولاً کارگزاران دولتی بدون توجه به هدف اصلی و فقط به خاطر رفع تکلیف انجام می دهند و وجه مثبت آن ناظر بر پذیرش قواعد اداری، سلسله مراتب اداری و شایسته سالاری در سازمان است. بنابراین به قول ماکس وبر بروکراسی یک قفس آهنین است که گریزی از آن نیست، هر جامعه ای برای توسعه یافتگی نیاز به یک بروکراسی توانمند و پویا و کارا دارد. می توان گفت در لرستان دیوانسالاری اداری، فاقد ویژگی های توانمندی، پویایی و کارایی است، زیرا به دلیل فشار و نفوذ نیروهای محلی و دولتی بیرون از آن، از شایسته سالاری لازم برخوردار نیست؛ از طرفی دیگر به خاطر حجم بالای بیکاری و تحمیل شدن افراد غیرمتخصص به سازمان ها، چابکی، کارایی و پویایی مناسب را ندارد؛ علاوه بر این بروکراسی تحت تأثیر فرهنگ ایلی و قبیله ای به نوعی خاص گرایی و خویشاوندسالاری تبدیل شده است که هر کس با کسب یک جایگاه اداری، سازمان را در خدمت اهداف و تمایلات خویش قرار می دهد.

شرایط قضایی و انتظامی

یافته های تحقیق نشان می دهد که اغلب پاسخگویان میزان رسیدگی به پرونده ها را زمانبر دانسته و اهتمام سریع و عادلانه به شکایت خود در محاکم قضایی و اجرای سریع احکام را زیر میانگین دانسته و در مجموع احترام به مالکیت فردی را در استان ضعیف دانسته اند. در مسایل مربوط به سرمایه گذاری با توجه به اینکه تاخیر در چنین موضوعاتی باعث تحمیل هزینه های مادی زیادی به سرمایه گذار می شود و کسب و کار وی را با مشکل مواجه می کند، سرعت عمل در صدور حکم و اجرای آن بسیار موثر می باشد. تاخیر و طولانی بودن دادرسی باعث مشکلات زیادی در بسیاری از کسب و کارها و انگیزه ادامه فعالیت و شروع کسب و کارها با سرمایه گذاری جدید را از بین می برد.

شرایط زیرساختی

بسیاری از پاسخگویان در تحقیق امکانات زیر ساختی لرستان اعم از امکانات رفاهی و درمانی، آموزشی، زیرساخت های ارتباطی و انرژی را زیر متوسط ذکر کرده اند. بنابراین با این شرایط فردی که بخواهد از استان دیگری به قصد اسکان وارد لرستان شود امکان اینکه چنین شهری را با این توصیف برای سکونت انتخاب کند کم است. واقعیت نیز این است که سطح توسعه استان نیز پایین است و زیر ساخت ها در سالهای اخیر به صورت ناعادلانه بین استانها توزیع شده و در لرستان سهم مناسبی ندارد. به نظر می رسد که تکمیل زیر ساخت های استان باید بر مبنای یک طرح و برنامه توزیع فضایی عادلانه امکانات صورت گرفته و اعتبارات استان در خدمت تکمیل پروژه های حیاتی برای کل استان تخصیص یابد.

شرایط ملی و جهانی

متغیر شرایط ملی و جهانی به عواملی فراتر از شرایط محلی اشاره دارد که مستقیم و یا غیر مستقیم بر سرمایه گذاری در لرستان نقش دارند. آزمون های آماری نشان داد که این فرضیه (همبستگی بین تمایل به سرمایه گذاری و شرایط ملی و جهانی) رابطه معناداری نداشته است ولی همبستگی آن مثبت می باشد. به این معنا که هرچه شرایط ملی و جهانی بهبود یابد تمایل به سرمایه گذاری بیشتر خواهد شد. شاید معنا دار نبودن این فرضیه را بتوان چنین تبیین کرد که از منظر سرمایه گذاران مورد مطالعه، شرایط ملی و جهانی کمتر از عوامل داخلی در تمایل به سرمایه گذاری در

استان موثر هستند. بنابراین در لرستان بیشتر از آنکه منتظر گشایش عوامل بیرونی باشیم باید به اصلاح عوامل داخلی پردازیم.

شرایط فرهنگی و اجتماعی

فضای فرهنگی و اجتماعی و قانونی حاکم بر توسعه سرمایه گذاری در ادبیات توسعه به عنوان کیفیت نهادی نام برده می شود. در مورد ایجاد تصویر عمومی از فرهنگ می توان گفت، در لرستان در این زمینه دو مشکل و نگرانی وجود دارد. یکی اینکه جامعه میزبان دید مثبتی به سرمایه گذار و بخش خصوصی ندارند، تصور آن ها از این قشر افرادی است که با رانت خواری ثروتی بهم زده و می خواهند با استثمار دیگران و استفاده از تسهیلات دولتی مجدداً سرمایه خود را افزون نموده و از این استان خارج کنند. چنین تلقی منفی از سرمایه گذار باعث جذب سرمایه گذار و یا تداوم همکاری آن ها نمی شود. گرچه چنین تصورات منفی ریشه در زمینه های عینی و فکری جامعه مانند رانت خواری بودن بعضی از سرمایه گذاران و خوش نام نبودن آن ها دارد. دوم آنکه سرمایه گذاران نیز تلقی و تصویر مثبتی از جامعه لرستان ندارند سرمایه گذاران به خاطر محافظه کاری ذاتی خویش، کمتر اهل ریسک در این مورد هستند، حاضر نیستند سرمایه خود را در محیطی که برداشت منفی و نگرانی از آن وجود دارد قرار دهند. بنابراین نتیجه چنین موضوعی عدم تمایل سرمایه گذاری خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

هدف این تحقیق بررسی پارامترها و عوامل ساختاری موثر بر تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی در استان لرستان می باشد. روش تحقیق از نوع کمی و کیفی است. در بخش کمی تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت و در بخش کیفی تحقیق هم با استفاده از مصاحبه عمیق دیدگاه جامعه مورد مطالعه تحقیق شامل سرمایه گذاران لرستانی و یا صاحبان کسب و کار متوسط و بزرگ ساکن و غیر ساکن استان لرستان مورد بررسی قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان می دهد سرمایه گذاری ۴۲ درصد از پاسخ دهندگان، در حوزه صنعت، ۷/۱ درصد در حوزه سلامت و بهداشت، ۷ درصد در حوزه کشاورزی، ۷ درصد دام-پروری، ۱/۸ درصد در حوزه شیلات ۲۲/۸ درصد در حوزه خدمات و ۱۲/۳ درصد در حوزه

گردشگری بوده است. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین تعیین کنندگان فرهنگی و اجتماعی و تمایل به توسعه اقتصادی سرمایه گذاری اقتصادی، ۰/۴۰ رابطه همبستگی معنادار وجود دارد؛ بین تعیین کنندگان زیرساختی و تمایل به توسعه اقتصادی سرمایه گذاری اقتصادی ۰/۴۵، بین تعیین کنندگان قضایی و انتظامی و تمایل به توسعه اقتصادی سرمایه گذاری ۰/۳۶، بین تعیین کنندگان سیاسی و تمایل به توسعه اقتصادی سرمایه گذاری ۰/۴۲ و بین تعیین کنندگان بروکراتیک با تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی ۰/۴۶ رابطه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، ولی بین متغیر ملی و فراملی و تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی رابطه همبستگی معناداری وجود ندارد. همانطور که یافته های تحقیق نشان می‌دهد در جامعه مورد مطالعه رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل و متغیر اصلی تحقیق (تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی) وجود دارد. همانطور که یافته های تحقیق نشان می‌دهد در جامعه مورد مطالعه رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل و متغیر اصلی تحقیق (تمایل به توسعه سرمایه گذاری اقتصادی) وجود دارد. تایید شدن اکثر فرضیه ها در عین پایین بودن مقدار بیشتر متغیرها را شاید بتوان از منظر روش شناختی به معنای دیگری نیز تفسیر نمود؛ همان چیزی که هیرشمن از آن به عنوان علت انباشتی یاد می‌کند. بدین معنا که شما در یک جامعه توسعه یافته‌ای با زنجیره‌ای از علل و عوامل مثبت و تقویت کننده مواجه هستید که به همدیگر متصل بوده و با هم همبستگی کامل دارند و در مقابل در جوامع توسعه نیافته با زنجیره‌ای از علل منفی و تضعیف کننده مواجه هستید که به شدت با هم همبستگی داشته و بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و هر کدام از این علل به نحوی خنثی یا مثبت باشد تاثیر القایی و منفی علل دیگر این علت را نیز بد و منفی جلوه می‌دهد. به این ترتیب ما در چنین تحقیقاتی با نوعی تعمیم فضای روانی و اجتماعی بر تحقیق حاکم هستیم که پاسخگویان ما و یا همان کنشگران اقتصادی بخاطر ناکامی و فشارهای خاص در این زمینه همه چیز را منفی می‌بینند و این نگاه منفی غالب خود را دریافته های تحقیق نشان می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نقش دولت در سرمایه گذاری یکی از مسایل اصلی از دید سرمایه گذاران است. دولت در جوامع توسعه نیافته یکی از مهمترین نهادهایی است که همه خواسته ها و نیازها متوجه آن می‌باشد و در عین حال بیشترین اعتراض و نارضایتی از کارکرد آن نیز وجود دارد. در این تحقیق نیز به همین پارادوکس رسیدیم. گروهی از دولت می‌خواستند که برای سرمایه گذاری همه کارهای لازم را از تسهیل و بسترسازی و تنظیم مقررات و نظارت تا تامین مالی

انجام دهد و گروهی دیگر معتقد بودند دولت اگر دست از سر آنها بردارد و آنها را به حال خود رها کند کار بزرگی انجام می‌دهد. می‌توان گفت دولت در این فضای معنایی هم در مفهوم سیستم اداری و بروکراتیک آن و هم در مفهوم سیاسی و امنیتی و انتظامی و قضایی خود را جلوه‌گر می‌کند. در اینجاست که نقش دولت در مناطق محلی بیشتر در بعد بروکراتیک و سیاسی آن جلوه‌گر می‌شود، در حالیکه دولت باید کارکردهای دیگری را به عهده داشته باشد که بخاطر درگیر شدن در نقش‌های اول از انجام دیگر نقش‌ها غافل می‌ماند. بروکراسی و دیوانسالاری معمولاً دو وجه منفی و مثبت دارد، وجه منفی آن‌هم کاغذبازی و قواعد دست‌پاگیری است که معمولاً کارگزاران دولتی بدون توجه به هدف اصلی و فقط به خاطر رفع تکلیف انجام می‌دهند و وجه مثبت آن ناظر بر پذیرش قواعد اداری، سلسله‌مراتب اداری و شایسته‌سالاری در سازمان است. بنابراین به قول ماکس وبر بروکراسی یک قفس آهنین است که گریزی از آن نیست، هر جامعه‌ای برای توسعه یافتگی نیاز به یک بوروکراسی توانمند و پویا و کارا دارد. در لرستان دیوانسالاری اداری به خاطر فشار نفوذ سنت‌ها و نیروهای محلی از شایسته‌سالاری لازم برخوردار نیست و تحت تأثیر فرهنگ سنتی به‌نوعی خاص‌گرایی و خویشاوندسالاری تبدیل شده است که هر کس با کسب یک جایگاه اداری، سازمان را در خدمت اهداف و تمایلات خویش قرار می‌دهد. بنابراین چنین ساختار اداری توان نظارت و پرورش بخش خصوصی را نخواهد داشت، چرا بخش خصوصی نیازمند رقابت سالم، قانون‌گرایی، برگزیدن شایستگان و عام‌گرایی به‌جای خویشاوندسالاری است. ساختار اداری ما متأثر از فضای خویشاوندی طبقه کارآفرین وابسته به خود ساخته است که این طبقه نه تنها مولد نیست بلکه با جذب سرمایه‌ها از مرکز و کسب اعتبارات و تسهیلات دولتی از این استان مهاجرت نموده و سرمایه‌ها را از این استان خارج می‌کند. کارگزاران دولتی اگر خواهان شکل‌گیری بخش خصوصی هستند باید به دنبال اصلاحات در ساختار اداری و بروکراسی کنونی باشند. بایستی مکانیسمی طراحی شود که افراد شایسته‌ای را جذب و ارتقاء داده و قانون‌گرایی و نظم را بر سازمان‌ها حاکم نمود و روح توسعه‌گرایی و کارآمدی در سازمان دمیده شود و نفوذ فرهنگ قبیله‌ای و خویشاوندگرایی در نظام سازمانی را کاهش داد، حتی باید فضای سیاست زده‌ای در استان را تعدیل نمود. از طرف دیگر دولت باید رابطه متعادلی با دو ضلع بخش خصوصی و جامعه مدنی برقرار کند. لازم است

دولت با بالا بردن کیفیت اداری خویش قدرت نظارت خود را بر بخش خصوصی بالا برده و باعث کارایی و رقابت سالم بین بنگاه‌های بخش خصوصی شده و فضای کسب و کار را شفاف و مساعد نماید. دولت غیر از ایفای نقش خویش به عنوان فراهم کننده بعضی از خدمات و زیر ساخت‌ها لازم است نقش متصدی و قانونگذار و حتی پرورش گری و قابله گری خود را فراموش نکند. مخصوصاً در لرستان که به علت مشکلات تاریخی از نبود نهادها و زیرساخت‌های مناسب رنج می‌برد. نقش دولت در ایجاد و تقویت بخش خصوصی و تعیین رابطه مناسب بین جامعه و بخش خصوصی بسیار حساس و مهم است که نیازمند اراده، تلاش و باور عمیق به ایجاد بخش خصوصی قدرتمند است. از سویی دیگر بهبود فضای فرهنگی و اجتماعی ونهادی حاکم بر جامعه و برداشت سرمایه گذار از این فضا بسیار مهم و رهگشااست، چیزی که در ادبیات توسعه از آن به عنوان کیفیت قابلیت نهادی نام برده می‌شود. معمولاً سرمایه گذاری را بیشتر یک مقوله اقتصادی و وابسته به متغیرهای کلان اقتصادی و سیاسی می‌دانند ولی واقعیت این است که بررسی آن از منظر ریشه ها و پیامدهای اجتماعی نیز اهمیت بسیار دارد، چرا که مطابق تحقیقات انجام شده عوامل اجتماعی و فرهنگی هم در جذب سرمایه گذاری و هم در نگه داشتن بسیار مؤثر هستند، به این معنا که عناصر فرهنگی جامعه میزبان در مساعد کردن زمینه سرمایه گذاری و جذب سرمایه گذار و امنیت آن اهمیت دارند. هر جامعه ای که تصویر مطلوب و یا به عبارتی برند خوش نامی باشد می‌تواند در جذب سرمایه گذاران از مناطقی با شرایط مشابه موفق تر باشد. همچنین نگاه به سرمایه گذار و ارزشی که یک جامعه به سرمایه و سرمایه گذار می‌دهد در سرمایه گذاری در آن جامعه مؤثر است. از طرف دیگر نبود سرمایه گذاری موجب کاهش اشتغال و رونق اقتصادی شده و با دامن زدن به بیکاری موجب بروز آسیب های اجتماعی مانند تضعیف خانواده، طلاق، اعتیاد و مهاجرت می‌گردد؛ بنابراین نگاه اجتماعی به مقوله سرمایه گذاری اهمیتی دوچندان دارد. در نگاه به توسعه دودیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول توسعه را در بیرون جامعه جستجو می‌کند و معتقد است عوامل بیرونی عامل توسعه نیافتگی یک جامعه هستند و مانع پیشرفت یک جامعه می‌شوند و در مقابل نگاهی دیگر معتقد است که علل توسعه یا توسعه نیافتگی یک جامعه را باید در درون جامعه جستجو کرد و عناصر درونی آن جامعه مانند ساختار فرهنگی و اجتماعی و ساختار قدرت محلی را عامل مؤثر بر توسعه در نظر گرفت. این دو نگاه در ادبیات توسعه وجود دارند و هریک نیز استدلال های خاص خود را پرورش داده اند. بدون اینکه

در صدد بررسی و تحلیل صحت و سقم این استدلال‌ها شویم و خود را در این دو گانه‌ها اسیر کنیم ضرورت دارد که به نوعی تلفیق بیاندیشیم که امروزه دیگر نمی‌توان مرز درون و بیرون را از هم جدا کرد و این دو حوزه به نحوی به هم مرتبط هستند ولی از آنجایی که هر جامعه باید در استراتژی توسعه‌ای خود نوعی رویکرد توسعه‌ای را انتخاب کند، ضرورت دارد که هر جامعه‌ای صرف نظر از اینکه عامل توسعه نیافتگی خود را در درون یا برون جامعه اش بداند، نقطه عزیمت برای توسعه بایستی از درون آن جامعه زایش و خیزش داشته باشد، یعنی با نگاه به درون، منابع و محدودیت‌ها و فرصت‌ها و تهدیدهای خود را بشناسد و به دنبال این باشد که با تقویت درون جامعه و مساعدسازی درون، به دنبال گرفتن سهم خود از دنیای بیرون باشد، چرا که صرفاً نگاه به بیرون و به دنبال علل ناکامی در بیرون، به نوعی فرافکنی و وابستگی و ستیز با بیرون و نادیده گرفتن خود و محدودیت‌های خود منجر شده و فرصت پیشرفت و توسعه را از خود سلب می‌کند. در نگاه به سرمایه‌گذاری نیز همین نگاه وجود دارد. نوعی نگاه به سرمایه‌گذاری در استان لرستان وجود دارد که بیشتر نگاه به برون دارد و زمینه‌های مناسب و نامناسب اثرگذار جامعه محلی در سرمایه‌گذاری را کمتر در کانون توجه قرار می‌دهد و همه نگاهش معطوف به این است که با جذب سرمایه‌گذاران بیرونی و ایجاد محیط‌های گلخانه‌ای برای آنها زمینه رشد اقتصادی را فراهم نموده تا در بلندمدت شاهد رخنه به پایین مواهب اقتصادی این سرمایه‌گذاری بیرون باشیم. این رویکرد نگاه به بیرون در جذب سرمایه‌گذاری در عین حال که دلایل منطقی و قابل توجیه دارد ولی دچار این مشکل است که هم زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و محلی را نمی‌بیند و هم به عناصری مانند نوع جامعه و نقش دولت و رابطه بین دولت و جامعه توجه لازم را ندارد. بنابراین برای هموار شدن مسیر سرمایه‌گذاری و توسعه در استان لرستان هم افزایش سه ضلعی ساختار توسعه‌گرای دولتی، اقتصاد و سرمایه خصوصی و جامعه توسعه‌گرای توانمند ضروریست و ضعف یا کاستی هر کدام از این دو مسیر توسعه و پیشرفت را نامتعادل و ناهموار خواهد ساخت. دولت می‌تواند رابطه متعادلی با دو ضلع بخش خصوصی و جامعه مدنی برقرار کند. لازم است دولت با بالا بردن کیفیت اداری خویش قدرت نظارت خود را بر بخش خصوصی بالا برده و باعث کارایی و رقابت سالم بین بنگاه‌های بخش خصوصی شده و فضای کسب و کار را شفاف و مساعد نماید. همچنین دولت بایستی بتواند حافظ منافع جامعه در

مقابل منفعت گرایی بخش خصوصی باشد، متأسفانه در فضای غیر شفاف و ضعف قوانین و نبود نظارت کافی بخش خصوصی به دنبال کسب منافع خود به شکل حداکثری حتی به قیمت زدوبند با کارگزاران دولتی است، بطوریکه از مالیات فرار می کند. قوانین را دور می زند و سعی می کند بانفوذ در ادارات دولتی و یا قانون گذاری خواسته های خود را تحمیل نماید. بنابراین پیشنهاد می شود دولت با ایجاد شفافیت و اعمال قانون و نظارت راه برای سود خواهی غیر معقول بخش خصوصی محدود نموده و هم زمان نیز از تعرض نیروهای اجتماعی مخالف با رشد سرمایه داری جلوگیری کند. (مثلاً در موضوعاتی مانند قانون کار و دیگر موارد بحث برانگیز ضروریست تعادلی بین جامعه و بخش خصوصی ایجاد کند که هم حقوق کارگران و معیشت پایدار آنان فراهم شده و هم باعث کند شدن رشد سرمایه داری نگردد). دولت غیر از ایفای نقش خویش به عنوان فراهم کننده بعضی از خدمات و زیر ساخت ها لازم است نقش متصدی و قانونگذار و حتی پرورش گری و قابله گری خود را فراموش نکند. مخصوصاً در لرستان که به علت مشکلات تاریخی از نبود نهادها و زیرساخت های مناسب رنج می برد. نقش دولت در ایجاد و تقویت بخش خصوصی و تعیین رابطه مناسب بین جامعه و بخش خصوصی بسیار حساس و مهم و تعیین کننده است.

منابع

- آل عمران، رویا؛ آل عمران، سید علی (۱۳۹۰) **خصوصی سازی و سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی**، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، ۱۱(۱۲)، ۷۳-۸۸.
- بهروزی مفروزلو (۱۳۹۴)، **بررسی موانع و محدودیت های داخلی سرمایه گذاری خارجی در ایران** (مطالعه میدانی ۳۰۰ طرح سرمایه گذاری خارجی تحت پوشش قانون سرمایه گذاری)، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۲۳، (۷۴)، تابستان ۲۳۳-۱۹۳.
- جلالی اسفند آبادی، سید عبدالمجید، صمیمی، سپیده (۱۳۹۳) **"بررسی موانع سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران** (در راستای سیاست های کلی ابلاغ نظام)"، فصلنامه، سیاست های راهبردی و کلان، ۲(۷)، ۱۰۹-۸۹.
- حکیمیان، ح؛ مشاویز، ز (۱۳۸۳). **دولت و تحول جهانی** (دولت و تحول جهانی: اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه)، ۲۴۸-۲۳۲.
- حکیمیان، حسن؛ زیبا، مشاور (۱۳۸۳) **دولت و تحول جهانی**، ترجمه عباس حاتمی زاده، انتشارات کویر، چاپ اول
- حسین زاده بحرینی، محمد حسین؛ ملک الساداتی، سعید (۱۳۹۰)، **موانع نهادی سرمایه گذاری و کسب و کار در ایران**، ماهنامه اجتماعی-اقتصادی، علمی و کار و جامعه، ۵۹، ۶۸-۵۰.
- خلیلی عراقی، منصور؛ سلیمی شندی، رقیه (۱۳۹۳)، **رابطه بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی، توسعه مالی و رشد اقتصادی مطالعه موردی کشورهای منتخب آسیایی**، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، ۲۲(۷۱)، ۱۵۶-۱۴۳.
- دودانگی، علی (۱۳۹۴)، **عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی در ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، (۲۳)، ۱۴۷-۱۳۱.
- سوند برگ، ریچارد و گرانووتر، مارک (۱۳۹۵)، **جامعه شناسی اقتصادی؛ ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی**، ترجمه علی اصغر سعیدی.
- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۹۱)، **اصول و مبانی کارآفرینی**، انتشارات کیا
- شقاقی شهری، وحید؛ واحد رسولی، شیرین؛ طباری، مریم (۱۳۹۵)، **اثرات بازدارنده فساد مالی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در حوزه کشورهای کنفرانس اسلامی**، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، ۴، (۱۴) ۹۰-۶۷.

- شهسواری، محسن؛ شعبان زاده، رضا؛ شعبان، مهدی (۱۳۹۶)، **شناسایی و اولویت بندی مؤثر بر جذب سرمایه گذاری در بخش صنعت استان قزوین**، فصلنامه مطالعات و حسابداری، ۳(۲)، ۳۱۶-۳۰۹.
- صالح نیا، نرگس؛ دهنوی، جلال؛ حق نژاد، امین (۱۳۸۹)، **نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی**، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۴(۴۳ و ۴۴)، ۶۶-۷۹.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۲)، **مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران**، نشر نی.
- طیبی، سید کمال (۱۳۹۲)، **اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری بر سرمایه گذاری داخلی و رشد اقتصادی** (مطالعه موردی ۱۰ کشور در حال توسعه آسیایی)، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۲۱(۶۷)، ۱۵۲-۱۳۱.
- فرزین، محمدرضا (۱۳۹۱)، **بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی: تلفیق روش های سیستماتیک دینامیک و اقتصاد سنجی**، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی وزرات امور اقتصادی و دارائی، ۶۱، ۶۲-۲۹.
- ملکی، بهنام (۱۳۸۸)، **توسعه اقتصادی و برنامه ریزی**، ناشر، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- میر باقری هیر، میرناصر (۱۳۹۵). **موانع جذب سرمایه گذاری در حوزه شهر**، (مورد مطالعه: استان لرستان)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، ۱(۱۷)، ۱۱۴-۱۰۱.
- مهر آرا، محسن؛ اسدیان، زینب (۱۳۸۸). **تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط**، ۲۰(۲)، ۲۰-۱.

- Asiedu, E., Lien, D., (۲۰۱۱). “**Democracy, Foreign direct investment and natvral resovrces**”, *Journal of International Economics*, No. ۸۴, pp. ۹۹-۱۱۱.
- Fitriandi, P., (۲۰۱۴), **Foreign direct investment and infrastructure development in Indonesia: Evidence from province level data**. *Asian Journal of Empirical Research*, Vol ۴, No ۱, PP ۷۹-۹۴.
- Laurențiu, G.F., (۲۰۱۵), **The impact of bureaucracy over the foreign direct investments in Romania**. *Theoretical and Applied Economic*, Special Issue, Vol XXII, pp. ۳۳-۳۸.
- Olufemi, A.P., Owojori, A.S., Olu, A.B., (۲۰۱۶), **Impact of Security Expenditure on Foreign Direct Investment in Nigeria**. *International Journal of Accounting, Finance and Risk Management*, Vol, No ۱, PP. ۳۳-۳۸.
- Wernick, D.A., Haar, J., Sharma, L., (۲۰۱۴), **The Impact of Governing Institutions on Foreign Direct Investment Flows: Evidence from African Nations**. *International Journal of Business Administration*, Vol. ۵, No. ۲, PP ۱-۱۲.